



Examining the Validation of the Shi'ite and Sunni Narrations on Identifying the Examples of (Q. 21:101)

Meysam Kohan-Torabi*

Received: 2021/5/28 | Accepted: 2021/10/7

Abstract

It is of specific importance to study the validity of the religious narrations that may sometimes be accompanied by some changes or even distortions, which at the same time are about to express and identify the examples of Qur'anic verses. As a case study, the present article addresses the narrations that have been quoted in both Shi'ite and Sunni sources to identify the examples of (Q. 21:101). The mentioned narrations speak of those who have been promised good tidings of being kept away from the fire of Hell. Sunni sources have conveyed a single narration that 'Alī b. Abī-Tālib (PBUH) has mentioned the third Caliph, Uthmān b. 'Affān, or even other people, whose number in some sources reaches ten; a case that usually associates with *'ashara mubashshara* (the ten promised ones). Nevertheless, Shi'ite sources have quoted Hadiths from the Holy Prophet (PBUH), according to which he has introduced 'Alī (PBUH) and his true followers as the original examples of the verse in question. Since in such conflicts, *isnāds* of the different narrations should be examined and evaluated, it seems that same way should be proceeded here. In the present case, Sunni narrations have weak *isnāds*, and from the textual point of view, they are in conflict with authentic narrations, as well as definite historical reports. However, the *isnāds* of Shi'ite narrations seem valid, and its content is confirmed by the authentic reports of the sources of both Sunni and Shi'ite schools. The present study has been carried out with the aim of helping to correctly identify the examples of the verse in question, after surveying the above-mentioned narrations from their original sources and with the necessary critical instruments.



Keywords: (Q. 21:101), Identifying, Examples, 'Alī b. Abī-Tālib (PBUH), Nu'mān b, Bashīr, Shi'ite and Sunni Sources

* Assistant Professor, Bozorgmehr University of Qa'enat | kohantorabi@buqaen.ac.ir





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اعتبارسنجی روایات فریقین درباره مصادیق آیه ۱۰۱ سوره انبیاء

میشم کهن‌ترانی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

چکیده

بررسی اعتبار احادیثی که در مقام بیان مصادیق آیات قرآن هستند و گاه دستخوش تغییرات و یا تحریفاتی می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روایاتی در منابع فریقین، در بیان مصداق آیه ۱۰۱ سوره انبیاء آمده است. این آیه درباره کسانی است که بدیشان وعده نیکو داده شده و از آتش دور نگاه داشته شده‌اند. به گفته منابع اهل سنت، امام علی (ع) از خلیفه سوم و یا افرادی دیگر نام برده که تعدادشان در برخی منابع مساوی با عشره مبشره است. منابع شیعه احادیثی را از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که آن حضرت، علی (ع) و شیعیانش را مصداق این آیه معرفی فرموده‌اند. روایات اهل سنت از منظر سندی دچار ضعف شدیدی هستند و از منظر متنی نیز با روایات معتبر و تاریخ قطعی معارضت دارند. سند روایات منقول در منابع شیعه بسیار معتبر است و محتوای آن، با روایات معتبر موجود در منابع فریقین تأیید می‌شود. پژوهش حاضر باهدف کمک به تبیین درست مصادیق آیه، پس از احصاء روایات فوق از منابع کتابخانه‌ای و با ابزار نقد سندی و تحلیل انتقادی متن روایات منقول در منابع فریقین، به انجام رسیده است.



واژگان کلیدی: آیه ۱۰۱ سوره انبیاء، مصداق شناسی، علی (ع)، خلیفه سوم، نعمان بن بشیر، منابع فریقین.

* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بزرگمهر قاننات، قانن، ایران | kohantorabi@buqaen.ac.ir

بیان مساله

قرآن کریم در آیه *إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ* (انبیاء: ۱۰۱)، از کسانی سخن می‌گوید که سابقاً به آن‌ها وعده نیکو داده شده و از آتش جهنم دور خواهد ماند. بر اساس منابع تفسیری و روایی فریقین، مصادیقی برای این آیه ذکر شده است. منابع اهل سنت، روایتی از نعمان بن بشیر و محمد بن حاطب نقل کرده‌اند که امام علی (ع) پس از خواندن این آیه، فرد و یا افراد مشمول این آیه را نام برده‌اند. با توجه به تنوع متون منقول در منابع اهل سنت، گاه صرفاً از خلیفه سوم یاد شده و گاهی تعداد افراد به ده نفر رسیده است که همان «عشره مبشره» هستند. در منابع شیعی، دو نقل از برقی و صدوق وجود دارد که بر اساس آن، پیامبر اسلام (ص)، علی (ع) و شیعیانش را مصداق این آیه معرفی نموده‌اند. نه روایات اهل سنت در منابع شیعه — به جز منابع بسیار معدودی — نقل شده و نه در منابع اهل سنت منقولات روایی شیعه در تفسیر و مصداق‌یابی این آیه منعکس شده است. مساله محوری پژوهش حاضر آن است که این روایات از منظر سندی و متنی از چه اعتباری برخوردارند و کدام روایات در اولویت تفسیری این آیه قرار می‌گیرند.

با کاوشی که صورت گرفت، مشخص شد که پژوهشی درخور و مستوفی درباره این موضوع، انجام نشده است؛ حتی تفاسیر فریقین هم صرفاً به نقل روایت مقبول خود پرداخته‌اند و روایت مقابل را بررسی و اظهارنظری درباره آن‌ها نکرده‌اند. به همین جهت، پژوهش حاضر رسالت تبیین اعتبار روایات مذکور را بر عهده گرفته است. این جستار پس از نقل روایات منقول در منابع فریقین به ترتیب تاریخی، به بهره‌گیری از روش‌های نقدالحديثی پس از تفکیک منابع شیعه و سنی و در دو بخش سندی و متنی به سنجش اعتبار این روایات پرداخته است.

سبب نزول آیه

برخی تفاسیر فریقین در بیان سبب نزول این آیه، نقلی از ابن عباس را گزارش کرده‌اند: «وقتی آیه ۹۸ سوره انبیاء نازل شد که *إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ* (انبیاء: ۹۸)، بر قریش گران آمد و گفتند: "آیا خدایان ما را دشنام می‌دهد؟" در این میان ابن الزبیری رسید و از ماجرا پرسید. گفتند: "محمد خدایان ما را دشنام می‌دهد". پرسید:

"چگونه؟" مضمون آیه را گفتند؛ گفت: "او را نزد من بخوانید". وقتی پیغمبر (ص) را آوردند، ابن الزبیری پرسید: "یا محمد، این خاص خدايان ماست یا هر معبودی به جز الله؟" فرمود: "هر معبودی به جز الله". ابن الزبیری گفت: "سوگند به پروردگار کعبه مغلوب شدی! مگر نه این که به اعتقاد تو ملائکه و عیسی و عزیر بندگان شایسته الله هستند؟" مکان فریاد پیروزی برکشیدند و آیه در جواب نازل شد: "آنان که از جانب ما سابقه نیک دارند [یعنی ملائکه و عیسی و عزیر] از آتش برکنارند". (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۸، ص ۲۴۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۱۰۳؛ واحدی، ۱۴۱۱ ق، ص ۳۱۴)

روایاتی که در این پژوهش بررسی می گردد، چونان اغلب روایاتی که درباره آیات قرآن کریم نقل شده، نه از باب سبب نزول و یا حتی تفسیر آیه، بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی مصادیق و در موارد فراوانی تطبیق بر بارزترین مصداق آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۱۶۸)

الف) روایات منقول در منابع اهل سنت

روایاتی درباره مصادیق مشمول این آیه در منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت نقل شده است. در ادامه، ابتدا با رعایت ترتیب تاریخی منابع، این روایات آورده شده، در بخش بعدی بررسی خواهد گردید.

۱. ابن ابی شیبہ (م. ۲۳۵ ق) در کتاب المصنف، با ذکر سند به نقل روایتی می پردازد که علی (ع)، عثمان را از جمله مصادیق این آیه معرفی فرموده است: «حَدَّثَنَا شَيْبَانَةُ، قَالَ: ثنا شُعْبَةُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِيسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ مَاهِكٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَاطِبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا يَخْطُبُ يَقُولُ: *إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ*. قَالَ: عُثْمَانُ مِنْهُمْ». (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۲۶۳)

۲. طبری (م. ۳۱۰ ق) در تفسیر جامع البیان، این روایت را ذیل آیه ۱۰۱ سوره انبیاء نقل کرده است: «حدثنا محمد بن بشار قال ثنا محمد بن جعفر قال ثنا شعبه عن أبي بشر عن يوسف بن سعد و ليس بابن مَاهِك عن محمد بن حاطب قال سمعت عليا يخطب فقرا هذه الآية: *ان الذين سبقتم لهم منا الحسنى أولئك عنها مبعدون*، قال عثمان رضي الله عنه منهم». (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۷۵)

تقریباً هم‌زمان با طبری، ابن ابی عاصم (م. ۲۸۷ ق) در کتاب السنه، با سندی که البته اندکی با سند طبری تفاوت دارد، همین عبارت - «عثمان منهم» - را از محمد بن حاطب نقل کرده است. وی گفت:

«شنیدم علی (ع) خطبه می‌خواند و این آیه را که قرائت فرمود، عبارت "عثمان از آن‌هاست" را نیز در بیان مصداق آیه به زبان آورد؛ «حدثنا ابوبکر، حدثنا شبابه، عن شعبة، عن جعفر بن ایاس، عن یوسف بن ماهک، عن محمد بن حاطب قال: سمعت علیاً یخطب یقول: *إن الذین سبقت لهم منا الحسنی أولئک عنها مبعدون*» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۶۰) ابن ابی حاتم (م. ۳۲۷ ق) در تفسیر القرآن العظیم بدون ذکر سند و صرفاً به نقل از نعمان بن بشیر آورده است:

«عن النعمان بن بشیر: أن علیاً قرأ: *إِنَّ الذِّینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنٰی أُولَئِکَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ*؛ فقال: أنا منهم وعمر منهم وعثمان منهم و الترییر منهم و طلحه منهم و سعد و عبدالرحمان منهم» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۸، ص ۲۴۶۹)

ماتریدی (م. ۳۳۳ ق) در تأویلات اهل السنه نیز بدون ذکر سند چنین آورده است:

«عن علی - رضی الله عنه - قال: *إِنَّ الذِّینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنٰی...*، ذاک عثمان و طلحه و الترییر و أنا من شیعہ عثمان و طلحه و الترییر» (ماتریدی، ۱۴۲۶ ق، ج ۷، ص ۳۷۹)

طبرانی (م. ۳۶۰ ق) در تفسیر خویش این روایت را ذیل آیه نقل کرده است:

«روی أن عثمان سمع علیاً کرم الله وجهه یقرأ هذه الآية: *إِنَّ الذِّینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنٰی أُولَئِکَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ* قال: أنا منهم و ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه و الترییر و سعد و سعید و عبدالرحمان و ابو عبیده» (طبرانی، ۲۰۰۸ م، ج ۴، ص ۳۱۸)

ابن عدی (م. ۳۶۵) با ذکر سند از خود تا نعمان بن بشیر، این روایت را از علی (ع) این گونه نقل کرده است:

«ثنا محمد بن عبدالرحمان الدغولی السرخسی ثنا محمود بن آدم ثنا زید بن الحباب عن ذواد بن علبه الحارثی عن لیث بن أبی سلیم عن ابن عم النعمان ابن بشیر عن النعمان بن بشیر و کان مع یمسر مع علی أن علیاً خرج فتلا هذه الآية: *إن الذین سبقت لهم منا الحسنی أولئک عنها مبعدون*» (ابن عدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۱۲۲)

ابن مردویه (م. ۴۱۰ ق) در کتاب مناقب علی بن ابی طالب، از نعمان بن بشیر نقل کرده که علی (ع) پس از قرائت این آیه صرفاً فرمود: «أنا منهم». البته وی سندی برای این روایت ذکر نکرده است (ابن مردویه، ۱۴۲۴ ق، ص ۲۳۱).

ثعلبی (م. ۴۲۷) علاوه بر این که روایت منقول از محمد بن حاطب را بدون سند ذکر کرده (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۶، ص ۳۱۰)، به نقل نعمان بن بشیر نیز با ذکر سند پرداخته است: «أخبرني ابو عبدالله محمد بن عبدالله قال: حدثنا ابو الحسن محمد بن عثمان النصيبی قال: أخبرنا ابو بكر محمد بن الحسين السبيعي بحلب قال: أخبرنا احمد بن الحسين بن عبد الجبار الصوفي قال: حدثنا عبيد الله القواريري قال: حدثنا محمد بن الحسن بن أبي يزيد الهمداني قال: حدثنا ليث عن ابن عم النعمان بن بشير - وكان من سمار علي - قال: تلا علي ليلة هذه الآية: *إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ*. قال: أنا منهم و ابو بكر و عمر و عثمان و طلحه و الزبير و سعد و عبدالرحمان بن عوف منهم». (همان، ص ۳۱۱)

مکی بن حموش (م. ۴۳۷ ق) در کتاب الهدایه الی بلوغ النهایه، بدون ذکر سند نقل کرده که علی (ع) این آیه را قرائت کرد و سپس فرمود: «عثمان منهم و أصحابه و أنا منهم». (ابن حموش، ۱۴۲۹ ق، ج ۷، ص ۴۸۲۱)

خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ ق) با ذکر سند، روایتی از علی (ع) نقل می کند که با آن چه قبلاً ذکر شده بود تفاوت دارد:

«أخبرنا ابراهيم بن مخلد المعدل، حدثنا محمد بن احمد بن ابراهيم الحكيمي، حدثنا عيسى بن محمد بن منصور الإسكافي، حدثنا شعيب بن حرب المدائني عن محمد الهمداني قال: حدثنا شيخ في هذا المسجد - يعني مسجد الكوفة - عن النعمان بن بشير قال: كنا عند علي بن أبي طالب فذكروا عثمان. فقال علي: *إن الذين سبقوا لهم منا الحسنى أولئك عنها مبعدون*، هم عثمان وأصحاب عثمان، وأنا من اصحاب عثمان». (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۱، ص ۱۶۹)

حسکانی (م. ۴۹۰ ق) در شواهد التنزیل با ذکر سند از نعمان بن بشیر این روایت را نقل

می کند:

«و حَدَّثُونَا عَنْ ابْنِ بَكْرِ السَّبَّيْعِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الصُّوفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ الْقَوَارِيرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي يَزِيدَ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: أَخْبَرَنَا لَيْثُ بْنُ أَبِي سُلَيْمٍ عَنْ أَبِي عُمَرَ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ وَكَانَ مِنْ سَمَارِ عَلِيٍّ قَالَ: تَلَا عَلِيٌّ لَيْلَةَ هَذِهِ الْآيَةِ: *إِنَّ الَّذِينَ

سَبَقَتْ لَهُمْ مِّنَّا الْحُسْنَى... * فَقَالَ: أَنَا مِنْهُمْ وَابُوبَكْرٍ مِنْهُمْ وَعُمَرُ مِنْهُمْ وَعُثْمَانُ مِنْهُمْ وَطَلْحَةُ مِنْهُمْ وَالتَّرِيبِيُّ مِنْهُمْ وَسَعْدٌ مِنْهُمْ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ مِنْهُمْ». (حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۵۰)

همو دو روایت دیگر از *مالی صدوق و محاسن برقی* نقل کرده که در قسمت منابع شیعه بررسی خواهد شد.

ابن عطیه (م. ۵۴۲ ق) در *تفسیر المحرر الوجیز* (ابن عطیه، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۱۰۲) و میدی (م. ۵۳۰ ق) صاحب *تفسیر کشف الاسرار* (میدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۶، ص ۳۱۵)، نقل ابن حاطب را بدون سند، ذکر کرده‌اند. ابن عساکر (م. ۵۷۱ ق) با ذکر سند، دو روایت متفاوت از علی (ع) را به نقل از نعمان بن بشیر نقل می‌کند. متن روایت اول مشابه منابع گذشته است؛ اما روایت دوم، قرائت جدیدی از واقعه به دست نمی‌دهد که متن منتسب به علی (ع) به نقل خطیب بغدادی شباهت دارد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۸، ص ۴۲۳-۴۲۴)

بیضاوی (م. ۶۸۵ ق) در *انوار التنزیل*، روایتی را مشابه منابع پیش گفته نقل می‌کند؛ اما در نقل او، نام سعید در میانه و ابن جراح نیز در انتهای متن روایت دیده می‌شود. البته وی سندی ذکر نکرده است:

«روي أن علياً كرم الله وجهه خطب وقرأ هذه الآية ثم قال: أنا منهم و ابوبكر وعمر و عثمان و طلحه و الزبير و سعد و سعيد و عبدالرحمان بن عوف و ابن الجراح». (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۶۱)

همین نقل در *تفسیر سراج المنیر* (خطیب شربینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۵، ص ۵۶) و *تفسیر ابوالسعود* نیز آمده است (ابوالسعود، ۱۹۸۳ م، ج ۶، ص ۸۷). نقلی که در آن نعمان بن بشیر از علی (ع) روایت می‌کند که ایشان خود پس از قرائت این آیه، ابوبکر، عثمان، طلحه، زبیر، سعد و عبدالرحمان بن عوف را نام می‌برد. در منابع متعدد دیگری چون: *غرائب القرآن* نظام الاعرج (م. ۷۲۸ ق) (نظام الاعرج، ۱۴۱۶ ق، ج ۵، ص ۵۶)، *البحر المحیط* ابوحیان اندلسی (م. ۷۴۵ ق) (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۴۷۰) و *الدر المثنور* سیوطی (م. ۹۱۱ ق) (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳۳۹) روایت شده است. آلوسی (م. ۱۲۷۰ ق) نیز پس از آن که نقل نعمان بن بشیر را از ابن ابی حاتم ذکر می‌کند، می‌گوید: «من در منابع دیگر دیده‌ام که علی (ع) عشره مبشره را نام برده است».

البته وی به این منابع اشاره‌ای نمی‌کند (روح المعانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ص ۹۲). احتمالاً

اشاره آلوسی به منابعی چون تفسیر بیضاوی است که سعید بن زید و ابن جراح را هم در متن روایت ذکر کرده بودند. البته پیش از آن محب الدین طبری (م. ۶۹۴ ق) در کتاب *الریاض النضره فی مناقب العشره* چنین گفته بود:

«عن علي -رضي الله عنه- أنه لما قرأ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ...﴾ قال: أنا منهم و ابوبکر و عمر و عثمان الى تمام العشرة، ذكره ابوالفرج في اسباب النزل». (محب الدین طبری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۳۶)

(ب) روایات منقول در منابع شیعه

تفاسیر روایی شیعه، روایاتی را در بیان مصادیق این آیه نقل کرده‌اند که غالباً از دو منبع مشهور حدیثی گرفته شده است. در ادامه با رعایت ترتیب تاریخی، روایات منقول در منابع حدیثی و تفسیری شیعه ذکر می‌شود:

برقی (م. ۲۷۴ ق) در روایتی که سند آن را ذکر کرده، سخن امام صادق (ع) را نقل می‌کند که ایشان این آیه را در توصیف شیعیان به کار برده‌اند:

«عنه عن أبيه عن حمزة بن عبدالله الجعفي عن أبي الحسن الدهني وعن جميل بن دراج عن أبان بن تغلب قال: قال ابو عبدالله إن الله يبعث شيعتنا يوم القيامة على ما فيهم من ذنوب أو غيره مبيضة وجوههم مستورة عوراتهم آمنة روعتهم قد سهلت لهم الموارد و ذهبت عنهم الشدائد يركبون نوقاً من ياقوت فلا يترألون يدورون خلال الجنة عليهم شرك من نور يتلألأ توضع لهم الموائد فلا يترألون يطعمون والناس في الحساب وهو قول الله تبارك وتعالى في كتابه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾». (برقی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۷۹)

شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق) در کتاب *الأمالی*، روایتی طولانی را از امام علی (ع) نقل کرده که پیامبر اکرم (ص) بر روی منبر، سخنانی را در وصف امام علی (ع) و شیعیانش ایراد می‌کنند. سند روایت، بخش ابتدایی و قسمتی که آیه مورد بحث در آن نقل شده، ذکر می‌شود:

«حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَى مَنْبَرِهِ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ

صَدَقَ عَلَيْكَ وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَكَذَّبَ عَلَيْكَ ... يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ عَلَى الْحَوْضِ تُشَقُّونَ مَنْ أَحَبَبْتُمْ وَتَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ وَ أَنْتُمْ الْآمِنُونَ يَوْمَ الْقَرَعِ الْأَكْبَرِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَنْفَرُ النَّاسُ وَلَا تَفْرَعُونَ وَ يَحْزَنُ النَّاسُ وَلَا تَحْزَنُونَ فَيَكُمُ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: *إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ*». (صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۶۱ - ۵۶۲)

البته این روایت را فرات کوفی (م. ۳۰۷ ق) با سندی ناقص، قبل از صدوق نقل کرده که در این جا به جهت عدم ذکر سند، پس از روایت صدوق قرار گرفت. (کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۶۵ - ۲۶۹)

- صدوق در کتاب فضائل الشیعه نیز این روایت را نقل کرده است (صدوق، بی تا، ص ۱۷). روایتی هم چون روایت برقی با تفاوت اندکی در متن، در کتاب تأویل آیات الظاهره از شیخ صدوق نقل شده (استرآبادی، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۲۴)، اما نگارنده آن را در منابعی از شیخ صدوق نیافته است. حسکانی (م. ۴۹۰ ق) در کتاب خویش، روایت شیخ صدوق را با واسطه ابوالحسن فارسی نقل کرده است. البته وی پس از ذکر سند، فقط قسمتی از روایت را نقل کرده که در آن گفته شده: «ای علی این آیه در مورد تو و شیعیانت نازل شده است». (حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۵۰۰) - عمادالدین طبری (م. ۵۵۳ ق) در بشاره المصطفی، عیناً روایت صدوق را نقل کرده است. (طبری، ۱۳۸۳ ق، ص ۱۸۱)

- اربلی (م. ۶۹۲ ق) در کشف الغمه آورده است:

«قَوْلُهُ تَعَالَى *إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ* عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ أَنَّ عَلِيًّا تَلَاهَا لَيْلَةً وَقَالَ أَنَا مِنْهُمْ». (حلی، ۱۴۱۱ ق، ص ۳۸۲)

- علامه حلی (م. ۷۲۶ ق) عیناً عبارت منقول اربلی را در کشف الیقین نقل نموده است.

(حلی، ۱۴۱۱، ص ۳۸۲) - استرآبادی (م. ۹۴۰ ق) با ذکر سندی البته ناقص آورده است:

«قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْوَلِيدِ الْقَسَوِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: كُنَّا ذَاتَ لَيْلَةٍ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَمَارًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ *إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى... فَقَالَ أَنَا مِنْهُمْ*. (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۳۲۰)

از آن جا که صاحبان تفاسیر روایی مانند فیض کاشانی در تفسیر صافی (فیض کاشانی،

۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۳۵۶ - ۳۵۷)، سیدهاشم بحرانی در البرهان فی تفسیر القرآن (بحرانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۸۴۱ - ۸۴۵)، عروسی در نور الثقلین (عروسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۴۶۰ - ۴۶۱) و

قمی مشهدی در *کنزالدقائق* (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۸، ص ۴۷۴ — ۴۷۶) روایاتی را از منابع پیش گفته نقل کرده‌اند، از ذکر مجدد آن پرهیز می‌شود.

اعتبارسنجی سندی

پس از ذکر روایات، لازم است به سنجش اعتبار آن‌ها پرداخته شود. این ضرورت با عنایت به اختلاف متون روایات، دوچندان می‌گردد. ابتدا به سنجش اعتبار اسناد احادیث منقول در منابع اهل سنت پرداخته می‌شود:

۱. بررسی سندی منابع اهل سنت

برخی از روایاتی که از منابع اهل سنت نقل شده، فاقد سند و یا دارای سندی ناقص است. بدیهی است سنجش اعتبار سندی این دسته روایات، ممکن نیست و به همین جهت در زمره احادیث ضعیف قرار می‌گیرند. در این جا بر اساس ترتیب روایات دارای سندی که در قسمت منابع فریقین نقل شد، رجال سند بررسی می‌گردد و بر مبنای آن، نوع حدیث از منظر صحیح یا ضعیف بودن تبیین می‌شود.

روایت اول را ابن ابی شیبہ نقل کرده است. راوی اول شبابه است که رجالیان اهل سنت او را توثیق کرده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲ م، ج ۴، ص ۳۹۲). راوی دیگر شعبه است. وی را فردی زاهد و دقیق در نقل حدیث معرفی کرده و او را ثقه و حافظ دانسته‌اند (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۱۲، ص ۴۹۰). جعفر بن یاس دیگر راوی موجود در سند روایت ابن ابی شیبہ است. در مورد او گفته شده که شعبه روایاتی را که او از حبیب بن سالم و مجاهد نقل کرده، ضعیف شمرده، اما اغلب رجالیان او را توثیق کرده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۲، ص ۸۳). یوسف بن ماهک فردی قلیل الحدیث و البته ثقه توصیف شده است (ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲ م، ج ۹، ص ۲۲۹). اظهارنظری در مورد محمد بن حاطب که در بسیاری از روایات و از جمله روایت منقول توسط ابن ابی شیبہ، سخن علی (ع) را نقل کرده در منابع شیعی وجود ندارد. منابع اهل سنت وی را جزء صغار صحابه به شمار آورده‌اند و به همین جهت هم‌چون دیگر صحابه، عادل و موثق توصیف شده است (ابن حبان، ۱۹۷۳ م، ج ۲، ص ۳۶۵). پدر وی با جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کرد و محمد بن حاطب در کشتی متولد شد. سپس او

ساکن کوفه گردید و در کارزارهای جمل، صفین و نهروان، همراه علی (ع) بود (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۳۱۰)؛ بنابراین از منظر رجالی، روایت مذکور صحیح به شمار می‌آید. سند دومی که بررسی می‌شود، سند روایت منقول در تفسیر طبری است. در این سند، رجال مشترکی با سند قبل وجود دارد که از ذکر مجدد آن پرهیز می‌شود. دیگر افراد حاضر در سلسله این سند عبارتند از:

-محمد بن بشار: گرچه برخی او را تضعیف کرده‌اند، غالب رجالیان وی را موثق دانسته‌اند. (ذهبی، ۱۹۶۳ م، ج ۳، ص ۴۹۰)

-محمد بن جعفر غندر: دیدگاه‌های متفاوتی در مورد او وجود دارد. او با شعبه بیست سال ملازمت داشت (بخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷)، به همین جهت برخی گفته‌اند احادیث او از شعبه پذیرفتنی است، ولی احادیث او از غیر شعبه نوشته می‌شود، اما به آن احتجاج نمی‌شود. از طرف دیگر برخی معتقدند که وی به صورت ناروا تخطئه شده، در حالی که حافظ و اثبت در حدیث است. (ذهبی، ۱۹۶۳ م، ج ۳، ص ۵۰۲)

-یوسف بن سعد: برخی او را از موالی عثمان و برخی از موالی قدامه بن مظعون (ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲ م، ج ۹، ص ۲۲۳) و گروهی نیز از موالی محمد بن حاطب دانسته و ثقه معرفی کرده‌اند (ابن حبان، ۱۹۷۳ م، ج ۵، ص ۵۵۰)، اما ترمذی در کتاب سنن، پس از نقل حدیثی که وی در سند آن قرار دارد، او را مجهول خوانده و گفته است که از او شناختی نداریم (ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۱۱۵). بر اساس بررسی رجال این سند، نمی‌توان به صحت آن حکم داد.

-ابن ابی عاصم: سند منقول از او عیناً سند ابن ابی شیبه است که بررسی شد. حدیث منقول در کتاب الکامل ابن عدی از منظر سندی ضعیف است. برخی راویان آن ضعیف و مجهول هستند.

-لیث بن ابی سلیم: او را این گونه توصیف کرده‌اند که اهل تخلیط گویی در حدیث، مضطرب الحدیث و ضعیف بوده است (ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲ م، ج ۷، ص ۱۷۸؛ هیشمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۳۱۵). ابن حبان می‌گوید که در اواخر عمر این چنین بود و نمی‌دانست چه می‌گوید؛ سندها را جابه‌جا می‌کرد و از ثقات احادیثی نقل می‌کرد که وجود نداشت (ابن

حبان، ۱۳۹۶ ق، ج ۲، ص ۲۳۱). علامه امینی او را فردی می‌داند که به جهت فضیلت‌سازی برای عثمان، دست به جعل حدیث می‌زد. علامه نمونه‌هایی از منقولات وی را ذکر کرده است. (امینی، ۱۳۶۶ ق، ج ۹، ص ۴۷۲)

-ذواد بن غلبه: ابن عدی او را تضعیف کرده (ابن عدی، ۱۴۰۹ ق ج ۴، ص ۲۲) و بخاری در مورد او عبارت «یخالف فی بعض حدیثه» آورده است (بخاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۴). وی را منکر الحدیث توصیف کرده‌اند که از ثقات چیزی را نقل می‌کرد که وجود نداشت و از ضعف‌ها نیز آن چه را ناشناخته بوده روایت می‌کرد. (ابن حبان، ۱۳۹۶ ق، ج ۱، ص ۲۹۶)

-ابن عم نعمان بن بشیر: او نیز مجهول است و در مورد او هیچ اطلاعاتی در منابع رجالی وجود ندارد.

سند بعدی متعلق به ثعلبی در *الکشف و البیان* است. در این سند نیز لیث و ابن عم نعمان وجود دارند. محمد بن حسن بن ابی یزید الهمدانی نیز که در این سند وجود دارد، ضعیف الحدیث معرفی شده (ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲ م، ج ۷، ص ۲۲۵) و گفته‌اند که او دروغ می‌گفت و با عباراتی مانند منکر، متروک الحدیث و بی‌اعتباری اسنادی که وی در آن وجود دارد، وصف شده است (حوینی، ۱۴۳۳ ق، ج ۳، ص ۱۵۰). از این رو، این روایت نیز از منظر سندی ضعیف به شمار می‌آید.

در سند منقول از خطیب بغدادی، علاوه بر آن که اطلاعاتی درباره ابراهیم بن مخلد المعدل در دست نیست، در قسمتی از آن آمده که محمد الهمدانی گفت: «شیخی در مسجد از نعمان بن بشیر روایت را نقل کرده است». مشخص نیست این شخص چه کسی بوده و به همین جهت سند این روایت قابل اعتبارسنجی نیست و حدیث از این منظر ضعیف است. در سند حدیثی حسکانی در *شواهد و تنزیل*، هم لیث و هم محمد بن حسن بن ابی یزید الهمدانی حضور دارند که به شدت تضعیف شده‌اند. نیز ابن عم نعمان بن بشیر حضور دارد که مجهول است و حدیث از لحاظ سندی ضعیف به شمار می‌آید.

روایت اولی که ابن عساکر نقل کرده، به سبب وجود همدانی، لیث و ابن عم نعمان ضعیف است. روایت دوم وی نیز به سبب وجود حداقل دو نفر که تضعیف شده‌اند، همین

حکم را دارد. اشعث یکی از این افراد است. البته در سند مشخص نشده که کدام اشعث است اما به جهت نقل او از شعبی، معلوم می‌شود که مراد، اشعث بن سوار است که در مورد او گفته‌اند: دارای خطاهای فاحش و کثیرالوهم و ضعیف الحدیث بود. یحیی بن معین و عبدالرحمان به همین جهت از او نقل حدیث نمی‌کردند (ابن حبان، ۱۳۹۶ ق، ج ۱، ص ۱۷۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۶، ص ۲۷۶). یعقوب القمی نیز تضعیف شده است. (حوینی، ۱۴۳۳ ق، ج ۳، ص ۸۵)

اما لازم است نعمان بن بشیر که ناقل این روایت است شخصیت شناسی شود. پدر نعمان تنها شخصی از انصار بود که با ابوبکر در سقیفه بیعت کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۳۱). نعمان همان کسی بود که پیراهن خونی عثمان را به همراه انگشتان قطع شده نائله همسر عثمان به شام برد و به معاویه داد. معاویه آن‌ها را آویزان کرد و مردم با دیدن آن بر خشمشان افزوده می‌شد (ابن اثیر، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۵۵۵). وی گرایش به عثمان داشت و به همین جهت جزء افراد معدودی از انصار بود که با علی (ع) بیعت نکرد (طبری، ۱۸۷۹ م، ج ۳، ص ۴۵۹). وی در سال ۳۹ هجری از سمت معاویه مأمور حمله به عین التمر شد. کار گزار علی (ع) مالک بن کعب بود که نهایتاً پس از یک ماه مقاومت توانست بر نعمان پیروز شود (ابن هلال ثقفی، ۱۹۸۷ م، ج ۲، ص ۴۴۶). وی در جنگ صفین در رکاب معاویه در مقابل علی (ع) قرار گرفت (ابن مزاحم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۴۹). نعمان در زمان ورود مسلم به کوفه، والی آن جا بود که سپس ابن زیاد جایگزین او شد. وی در سال ۶۵ هجری والی حمص شد و مردم را به بیعت با عبدالله بن زبیر دعوت کرد؛ لذا مردم او را تعقیب کردند و به قتل رساندند. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۱۴۹۹)

ملاحظه شد که احادیث منقول در منابع اهل سنت جز یک روایت، بقیه همه از منظر سندی ضعیف به شمار می‌آیند. البته آن چه از ضعف گفته می‌شود، برای تمامی اسناد ضعیف یکسان نیست. گاه ضعف صرفاً به جهت مجهول بودن یک راوی است و گاه ناشی از حضور افرادی کذاب و کسانی است که از جعل حدیث ابایی نداشتند. نعمان بن بشیر به عنوان ناقل این حدیث در ارتباط با موضوع روایت اساساً قابل اعتماد نیست. گفته شد که وی تمایل شدید به عثمان داشت و با علی (ع) نیز بیعت نکرد. این که در برخی روایات منقول از او، علی (ع)

بدون این که نامی از خلفای اول و دوم ببرد، صرفاً به نام عثمان اشاره می کند، بر تردیدها می افزاید. علاوه بر نعمان، لیث بن ابی سلیم که در جعل احادیث در زمینه فضیلت سازی برای عثمان سابقه ای دارد، عامل دیگری است که نشان می دهد متن این روایت یعنی فضیلت سازی برای عثمان در او سابقه داشته است.

۲. بررسی سندی منابع شیعه

اولین سندی که در منابع شیعه بررسی می شود، مربوط به روایت برقی در کتاب محاسن است. او از پدرش محمد بن خالد روایت می کند. او از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) بوده است. نجاشی او را ضعیف خوانده (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۹۳) و ابن غضائری گفته که وی از ضعفا زیاد روایت نقل کرده (ابن غضائری، ۱۳۸۰، ص ۹۳)، اما شیخ طوسی وی را ثقه دانسته (طوسی، ۱۴۲۷، ق، ص ۳۶۳) و علامه حلی او را ثقه و صحیح المذهب وصف کرده است (حلی، ۱۴۰۲، ق، ص ۹۳). در مورد حمزه بن عبدالله جعفری و ابی الحسن الدهنی اطلاعات رجالی یافت نشد، اما الدهنی و جمیل بن دراج در سند روایت، در عرض یک دیگر قرار گرفته اند. جمیل بن دراج را ثقه جلیل توصیف کرده اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۶) که از اصحاب اجماع نیز هست (کشی، ۱۴۰۴، ق، ص ۳۴۶). ابان بن تغلب از بزرگان صحابه امام صادق (ع) به شمار می آید که امام او را ستوده اند (کشی، ۱۴۰۴، ق، ص ۶۲۲) و ثقه ای جلیل القدر وصف شده است (طوسی، ۱۴۲۰، ق، ص ۴۴). این سند به جهت مجهول بودن یک راوی، ضعیف به شمار می آید.

روایت دوم را شیخ صدوق نقل کرده است. او از پدرش علی بن حسین بابویه قمی نقل کرده که به اجماع رجالیان، ثقه و جلیل القدر بوده است (حلی، ۱۴۰۲، ق، ص ۹۴). راوی بعد سعد بن عبدالله است که او نیز مورد توثیق و ستایش قرار گرفته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۷؛ طوسی، ۱۴۲۰، ق، ص ۲۱۵). راوی بعدی احمد بن محمد بن خالد برقی صاحب کتاب محاسن است. گرچه در مورد او گفته شده که از ضعفا نقل روایت کرده و به مراسیل اعتماد داشته (حلی، ۱۴۰۲، ق، ص ۱۴)، سخنش را مقبول و به صفت وثاقت توصیف کرده اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۰). یحیی بن قاسم راوی بعدی نیز توثیق شده است (خویی، ۱۳۷۲، ج ۲۱، ص ۷۹). جد او یعنی حسن بن راشد، راوی بعدی است. تنها ابن غضائری او را تضعیف کرده

(ابن غضائری، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۹)، اما با عنایت به نادیده گرفتن تضعیفاتی که منحصر به ابن غضائری است و اساساً انتساب این کتاب به ابن غضائری نیز محل تردید جدی است (خویی، ۱۳۷۲ ش، ج ۹، ص ۲۷۰) و از طرفی ابن ابی عمیر از حسن بن راشد حدیث نقل کرده و گفته شده که وی جز از ثقه نقل روایت نمی‌کرد (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۵۴)، بدین جهت می‌توان به وثاقت حسن بن راشد گواهی داد (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۲۳۹). با این اوصاف، این حدیث از منظر سندی مورد وثوق است.

مقایسه تطبیقی

احادیث منقول در منابع تفسیری اهل سنت، در کتب متعددی بدون ذکر سند آمده است. با بررسی منابعی که سند روایت را ذکر کرده‌اند، هشت طریق سندی دیده می‌شود. از این هشت طریق صرفاً یک طریق که ابن ابی شیبہ نقل کرده، از منظر سندی دارای اعتبار است. در منابع شیعه دو طریق سندی برای احادیثی که در تفسیر آیه نقل شده وجود دارد. یک طریق آن در کتاب برقی نقل شده که به سبب وجود یک راوی مجهول، ضعیف است. طریق دوم را شیخ صدوق نقل کرده که از اعتبار سندی برخوردار است.

از منظر کمی، روایات اهل سنت به مراتب بیش‌تر و متعددترند، اما از منظر کیفی دارای ضعف شدیدتری هستند؛ زیرا ضعفی غالب سلسله اسناد موجود در منابع اهل سنت، به سبب وجود افرادی است که شدیداً تضعیف شده و به کذب، جعل و فضیلت‌سازی متهم هستند. نعمان بن بشیر نمونه روشن آن است که در هفت طریق از هشت طریق موجود حضور دارد؛ در حالی که ضعف موجود در سند منقول توسط برقی صرفاً به جهت وجود یک راوی مجهول است.

اعتبارسنجی متنی

برای ارزیابی بهتر این گروه روایات، بررسی متنی و محتوایی آن‌ها ضروری می‌نماید. از این‌رو در این قسمت روایات اهل سنت و شیعه به صورت تفکیکی و به شکل متنی نقد می‌شود.

۱. بررسی متنی روایات اهل سنت

گذشته از منظر سندی، روایات منقول در منابع اهل سنت با چالش‌هایی جدی مواجهند.

مهم‌ترین چالش، اضطراب شدیدی است که در متن روایات وجود دارد. این اضطراب هم در کیفیت تحمل حدیث و هم در متن احادیث بروز کرده است. گوناگونی و عدم وحدت در کیفیت تحمل حدیث توسط ناقل ابتدایی این روایات، اضطرابی را متوجه آن نموده است. توضیح بیش‌تر این که در یک نقل گفته شده که علی (ع) خطبه می‌خواند و این آیه را قرائت کرد. در نقل دیگری آمده که علی (ع) شب‌هنگام و در خلوت به نعمان چنین گفت و در نقلی دیگر علی (ع) در مسجد مشغول استراحت بوده و پس از شنیدن صدای نعمان که در مورد عثمان سخن می‌گفته، آیه را قرائت و مصداق آن را بیان فرموده است. در روایتی دیگر آمده که خود عثمان این سخن را از علی (ع) شنیده است. البته در غالب روایات، نقل اول ذکر شده اما این که علی (ع) در خلال خطبه‌ای این سخن را مطرح نموده و هیچ شخص دیگری جز نعمان آن را نقل نکرده باشد، پرسشی جدی در مسیر ارزیابی روایت است.

بیش از اضطراب در تحمل، متن روایت بسیار مضطرب و متنوع است. فهرستی از این تنوع در ادامه ذکر می‌شود. علی (ع) پس از قرائت آیه، این افراد را در زمره مصادیق این آیه دانسته‌اند:

۱. عثمان؛

۲. علی، عمر، عثمان، زبیر، طلحه، سعد و عبدالرحمان؛

۳. علی، ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، سعد و عبدالرحمان بن عوف؛

۴. علی، ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، سعد، سعید، عبدالرحمان بن عوف، ابن

الجراح؛

۵. عثمان و اصحابش و علی (ع) که خود را از اصحاب عثمان توصیف کرده است؛

۶. عثمان، طلحه و زبیر و علی (ع) که خود را از پیروان عثمان، طلحه و زبیر برشمرد

است.

در تاریخ نقل این احادیث مشهود است که در منابع تفسیری اهل سنت، بر مصادیقی که شامل این آیه می‌شوند، به تدریج افزوده شده است. در تفاسیر متقدم مربوط به قرن سوم و ابتدای قرن چهارم، صرفاً نام خلیفه سوم در روایت منسوب به علی (ع)، مطرح بوده است. از اواسط قرن چهارم، نام دیگر افرادی که در سطور فوق اشاره شده نیز در محتوای روایت

منسوب به امام علی(ع) دیده می‌شود و اغلب منابع تفسیری متأخر — به جز منابعی که صرفاً به جمع‌آوری روایات تفسیری اهتمام ورزیده بودند مانند *الدرالمشور* سیوطی — نیز همین نقل را پذیرفته و ذکر کرده‌اند؛ بنابراین آن چه در تطورات نقل این حدیث به چشم می‌خورد، افزوده شدن بر تعداد افرادی است که در سخن علی(ع) آمده؛ به گونه‌ای که نهایتاً تعداد به ده نفر رسیده است؛ همان‌هایی که به «عشره مبشره» مشهورند — چنان که آلوسی آشکارا به این مطلب تأکید می‌کند که مراد از مصادیق این آیه همان عشره مبشره است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ص ۹۲). به عبارتی این تطورات ابتدا از ذکر نام عثمان آغاز و به عشره مبشره ختم شده است. شاهد بر این مدعا، نقل این روایت در کتاب *الریاض النضره فی مناقب العشره* است (محب الدین طبری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۳۶). با استناد به سوابق تاریخی مشابه، جریان منقبت‌سازی به عنوان یک احتمال در بررسی محتوایی این احادیث مطرح می‌شود.^۱ این اتفاق یعنی منقبت‌سازی برای خلفا و عشره مبشره، به این روایت محدود نمی‌شود. این فرآیند می‌تواند جریانی در تأیید حدیث عشره مبشره باشد که خود فاقد اعتبار است و به جهات متعددی چون ضعف شدید سندی و متنی، پذیرفتنی نیست (نک. امینی، ۱۳۶۶ ش ج ۱۰، ص ۱۲۲ — ۱۲۳). از طرفی دیگر، رفتار نیک انسان و پیروی از دستورهای الهی و آموزه‌های انبیا، موجب سعادت آدمی است (آل عمران: ۶۸)، اما گاه انحراف از این مسیر در عملکرد این افراد دیده می‌شود. شمشیر کشیدن بر حضرت علی(ع) و بیعت نکردن برخی از اعضای عشره مبشره با ایشان، تنها گواهی از مجموع آن چیزی است که تاریخ روایت می‌کند (نک. عطایی اصفهانی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۸۳ — ۲۹۳)؛ درحالی که قرآن کریم، پیامبر(ص) را تهدید می‌کند که اگر اندکی بلغزد، خداوند دست از یاری او برخواهد داشت (اسراء: ۷۴ — ۷۵) و اگر بر خداوند دروغ ببندد، به عذابی سخت دچار خواهد شد (حاقه: ۴۴ — ۴۶)؛ پس چگونه می‌توان پیشاپیش، سعادت‌مندی چنین افرادی را پذیرفت که تاریخ شاهد انحرافات از آن‌ها بوده که گاه مانند جنگ جمل، موجب ریختن خون هزاران نفر شده است؟

چالش دیگری که این روایات از منظر محتوایی با آن روبه‌روست، مخالفت آن با

^۱. یکی از شرق‌شناسان در پژوهشی با استناد به منابعی که غالباً اهل سنت هستند، به این نتیجه رسیده که روایت عشره مبشره را برای استفاده‌های سیاسی پدید آورده‌اند. (نک. یازگی، ۱۳۹۳، ص ۷۹ — ۹۲)

احادیث دیگری است که از علی (ع) در نکوهش خلیفه سوم و دیگر افراد حاضر در عشره مبشره در منابع اهل سنت دیده می‌شود. به چند نمونه از مخالفت‌ها و اعتراضات شدید علی (ع) به عملکرد عثمان اشاره می‌شود:

– عثمان بدعت‌هایی را در اجرای احکام پدید آورد؛ مانند استنکاف از قصاص عیدالله بن عمر به سبب قتل هرمان که با چنین واکنشی از امام علی (ع) مواجه شد: «بی‌تردید در قیامت به سبب عدم احقاق حق هرمان مؤاخذه می‌شوی و من اگر بر عیدالله دست بیایم این حق را از او خواهیم گرفت!». (ابن قتیبه، ۱۳۸۰ ق، ص ۵۳)

– استنکاف او از اجرای حد مروان به سبب شرب خمر و اقامه نماز در حالت مستی بود که موجب شد علی (ع) عثمان را سرزنش کند و به ناچار خود حد را بر مروان جاری کرد (طبری، ۱۸۷۹ م، ج ۴، ص ۲۷۳) و بارها از او خواست که خویشاوندانش را از مناصب برکنار کند. (بلاذری، ۱۹۹۶ م، ج ۵، ص ۴۵)

– امام علی (ع) بارها عثمان را به سبب شیوه مدیریتی او ملامت کرده، ناصحانه پیشنهادهایی را با او مطرح می‌نمود، اما وی نمی‌پذیرفت و خود را دنباله‌رو خلیفه دوم معرفی می‌کرد. امام در پاسخ به این ادعا فرمود: «عمر گوش شنوا و چشم بینا داشت ولو در ظاهر و اگر کسی را به حکومت می‌گماشت و درباره او سخنی می‌شنید، فوراً او را احضار کرده، به شدیدترین وجه مجازات می‌کرد؛ اما تو ای عثمان! این کار را نمی‌کنی! تو ضعیف و بی‌اراده‌ای و در برابر خویشاوندان نزدیک خود تسلیم هستی. معاویه بدون این که نظر تو را بخواهد، دست به هر کاری می‌زند و بعد به مردم می‌گوید: "این فرمان عثمان است." ای عثمان! تو این را می‌دانی، اما بر او خشم نمی‌گیری». (ابن اثیر، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۶۰)

– عثمان در جلسه‌ای با حضور امام، ابوذر را به دروغ‌گویی و جعل حدیث متهم کرد و امام از ابوذر دفاع فرمود. او به امام گفت: «خاک بر دهان تو باد!» امام فرمود: «به خاطر نامه معاویه حق و انصاف را نادیده می‌گیری؟» (بلاذری، ۱۹۹۶ م، ج ۵، ص ۵۵)

موارد یادشده، تنها نمونه‌هایی از روایات اهل سنت در مذمت خلیفه سوم توسط حضرت علی (ع) است (نک. اداک، صابر و حسینی، فرح، ۱۳۸۹ ش، ص ۷-۲۸). دانشمندان اهل سنت، این حقیقت را نیز تأیید کرده‌اند که اعضای عشره مبشره، مرتکب تخلفات و

انحرافات جبران‌ناپذیری شدند؛ چنان‌که طلحه و زبیر را به سبب برپایی جنگ جمل، متجاوز معرفی کرده و حق را به علی (ع) داده‌اند (برای آشنایی با دیدگاه فرقه‌های مختلف اهل سنت درباره عملکرد طلحه و زبیر در جنگ جمل، نک. خادم‌لو، ۱۳۸۶، ش، ص ۲۶ — ۵۰). وجود این روایات و گزارش‌ها که هم از منظر کمی و هم اعتباری به مراتب بیش‌تر است، روایات مورد بحث در این پژوهش را با چالشی جدی مواجه می‌سازد؛ چراکه تشکیل خانواده حدیث و عرضه حدیث بر احادیث معتبر و هم چنین عرضه حدیث بر تاریخ قطعی، یکی از راه‌های نقد محتوایی احادیث است.

۲. بررسی متنی روایات شیعه

درباره روایات منقول در منابع شیعی، روایت برقی گرچه راویان موثق دارد، به جهت فقدان اطلاعات یک راوی در منابع رجالی، از منظر سندشناسی ضعیف به شمار می‌آید. روایت منقول از صدوق از منظر سندی معتبر است. وجه مشترک این دو روایت آن است که امام علی (ع) و شیعیانش مصداق آیه شریفه معرفی شده‌اند. این که علی (ع) در زمره *إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ* به شمار آید، مورد اعتراض و تردید هیچ کس نیست؛ حتی وجه مشترک این دو روایت با بیش‌تر روایات اهل سنت تنها شخص ایشان است. در فضیلت حضرت سخن بسیار گفته شده و چون از مبرهنات به شمار می‌آید، از ورود به آن پرهیز می‌شود. شیعیان نیز در این دو روایت، بنا به فرموده پیامبر (ص)، مصداق این آیه محسوب می‌شوند. علاوه بر آن که محتوای این دو روایت (رستگاری و سعادت شیعیان)، در روایات متعدد و معتبری در منابع فریقین تصریح شده (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۲۴ — ۱۳۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴۲، ص ۲۳۹ — ۲۴۰؛ طبری، ۱۸۷۹ م، ج ۳۰، ص ۱۷۱) و به شخص خاصی اشاره ندارد که چونان روایات اهل سنت فضیلتی برای فرد یا افرادی به شمار آید که ممکن است در زندگی خود از مسیر حق فاصله بگیرند. مراد از شیعیان، آنانی هستند که رفتار و سلوک آن‌ها چونان علی (ع) و در مسیر ایشان است (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۲۳۶ — ۲۳۷). در متن این روایت نیز پس از آن که به اوصافی اشاره شده و شیعیان صاحبان آن اوصاف خوانده شده‌اند، آنان را مشمول آیه شریفه دانسته است. گفتنی است در مورد برخی منابع شیعه که از نعمان ابن بشیر نقل کرده‌اند که علی (ع) پس از قرائت آیه فقط

به خود اشاره فرموده‌اند، این احتمال وجود دارد که صاحبان این منابع، روایت را از منابع اهل سنت گرفته و صرفاً به نام علی (ع) اشاره و دیگر نام‌ها را حذف کرده باشند. این احتمال به جهت نبود سندی برای این روایت، تقویت می‌شود. هم چنین متن این روایات، با متن منقول در منابع اهل سنت شباهت بسیاری دارد. بدین سبب این دسته از روایات را نمی‌توان در زمره روایات منابع شیعی محسوب کرد. دو روایت منقول در منابع شیعه، از منظر متنی دارای استحکام است و با احادیث معتبر در همین موضوع مطابقت محتوایی دارد.

مقایسه تطبیقی

روایات منقول در منابع اهل سنت، وحدت متنی ندارند. در نقل‌های مختلف، افراد گوناگونی در متن روایت، مصداق آیه ۱۰۱ سوره انبیا معرفی شده‌اند. از طرفی برخی از این افراد به گواه تاریخ قطعی مورد قبول فریقین، در حیات اجتماعی - سیاسی خویش مرتکب انحرافات شده‌اند که ضربات جبران‌ناپذیری بر مردم و جامعه وارد کرده است. عدم تناسب این افراد در شمول مصداقی نیز ضعفی محتوایی بر این احادیث است؛ چنان‌که علی (ع) و افرادی چون طلحه و زبیر در عرض یک دیگر، مصداق این آیه معرفی شده‌اند. محتوای این روایات در تطور تاریخی آن، بر منقولاتی منطبق شده که در فضیلت عشره مبشره آمده که قابل تأمل است.

در روایات شیعه به‌جز امام علی (ع)، از فرد یا افراد خاصی نام برده نشده و شیعیان ایشان، مصداق آیه معرفی شده‌اند. در شمول مصداقی آیه بر آن حضرت، تردید و اختلافی میان فریقین نیست. اگر با تشکیل خانواده حدیث، این روایت در کنار روایات معتبری قرار داده شود که در منابع فریقین در معرفی اوصاف شیعیان آمده، تعارضی با قرآن، روایت و عقل ندارد؛ چراکه در جمع بین این روایات، افرادی که پیروان راستین آن حضرت در گفتار و رفتار هستند، از آتش جهنم مصون دانسته شده‌اند.

نتیجه

آن‌چه در منابع تفسیری و روایی اهل سنت درباره مصادیق آیه ۱۰۱ سوره انبیاء نقل شده به‌جز روایت ابن ابی شیبه، از منظر سندی دچار ضعف شدیدی است. این ضعف نتیجه حضور اشخاصی در سلسله سند است که در نقل روایت، نه تنها فاقد دقت کافی بودند، بلکه

بر اساس برخی گزارش‌های تاریخی، از تفسیر و تحریف احادیث ابایی نداشتند. روایات منقول در منابع شیعه غالباً از منظرگاه سند، معتبر محسوب می‌شوند و راویان موثقی ناقل آن بوده‌اند.

متن روایات منقول در منابع اهل سنت دچار اضطراب زیادی است. این اضطراب هم در ارائه کیفیت تحمل حدیث توسط اولین راوی است و هم در محتوای سخن نقل شده؛ به گونه‌ای که روایت با بیش از هفت نقل متفاوت روایت شده است: از یک نفر — عثمان — تا ده نفر که همان عشره مبشره است. این روایت در تطورات تاریخی خود، تغییرات محتوایی جدی داشته است. در تکمیل افراد مشمول در مصداق این آیه که علی (ع) نقل کرده، این گمانه متبادر می‌شود که این روایات در خدمت منقبت‌سازی بوده و این جریان از فضیلت‌سازی برای خلیفه سوم آغاز و به عشره مبشره ختم شده است. وجود افرادی در سلسله سند این روایات که در این امر سابقه داشته‌اند، این گمان را تقویت می‌کند. متن روایات منقول در منابع شیعی که حضرت علی (ع) و شیعیانش را مصداق این آیه دانسته‌اند، به جهت مطابقت محتوایی آن با روایات معتبر و متعددی که در منابع فریقین نقل شده، از استحکام کافی برخوردار است؛ درحالی که روایات اهل سنت، با مخالفت‌های جدی توسط روایات معتبر دیگر، قرآن و تاریخ قطعی همراه شده و به تضعیف آن انجامیده است.

منابع

قرآن کریم؛

نهج البلاغه؛

۱. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمان بن محمد، الجرح والتعديل، حیدرآباد: دائره المعارف العثمانیه، ۱۹۵۲ م.
۲. -----، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، تحقیق السعد محمد طیب، چاپ سوم، ریاض: مکتبه نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۳. ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبدالله بن محمد، المصنف فی الأحادیث و الآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو، کتاب السنه، بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۶. -----، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۷. ابن حبان یسعی، محمد، المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، حلب: دارالوعی، ۱۳۹۶ ق.
۸. -----، الثقات، حیدرآباد: دائره المعارف العثمانیه، ۱۹۷۳ م.
۹. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، تهذیب التهذیب، هند: دائره المعارف النظامیه، ۱۳۲۶ ق.
۱۰. ابن حموش، مکی، الهدایه الی بلوغ النهایه، شارجه: جامعه الشارقه، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. ابن عبدالله، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. ابن عدی، عبدالله، الكامل، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۵. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم: دارالحديث، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. ابن مردویه، احمد بن موسی، مناقب علی بن ابی طالب و ما نزل من القرآن فی علی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۴ ق.
۱۷. ابن مزاحم منقری، نصر، وقعة صفین، قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. ابن هلال ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، بیروت: دارالأضواء، ۱۹۸۷ م.
۱۹. ابوالسعود، محمد بن محمد، ارشاد العقل السلیم (تفسیر ابی السعود)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
۲۰. ابوحيان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۲۱. اداک، صابر و حسینی، فرح، «موضع گیری های امام علی در برابر سیاست های عثمان بن عفان در دوره خلافت»، مجله مسکویه، دوره ۵، شماره ۱۴، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۲۳. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ ق.

۲۴. امینی، عبدالحسین، **الغدیر فی کتاب و السنة و الأدب**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ش.
۲۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. بحرانی، سیدهاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه بعثت، ۱۳۷۴ ش.
۲۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، **التاریخ الکبیر**، حیدرآباد: دائره المعارف العثمانیه، بی تا.
۲۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن**، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۲۹. بلاذری، احمد بن یحیی، **انساب الاشراف**، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۶ م.
۳۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۳۱. ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. ثعلبی، احمد بن محمد، **الکشف و البیان**، تحقیق ابن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۳۳. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر تسنیم**، چاپ هفتم، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۳۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۳۵. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران: وزارت الثقافه والارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۳۶. حلّی، حسن بن یوسف، **رجال**، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۲ ق.
۳۷. -----، **کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین**، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. حوینی، ابواسحاق، **نثر التنبال بمعجم الرجال**، مصر: دار ابن عباس، ۱۴۳۳ ق.
۳۹. خادم‌لو، مهدی‌رضا، «بازشناسی دیدگاه‌های فرق درباره جنگ جمل»، **مجله تاریخ پژوهان**، شماره ۱۱، ۱۳۸۶ ش.
۴۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۴۱. خطیب شربینی، محمد بن احمد، **السراج المنیر**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ ق.
۴۲. خویی، سیدابوالقاسم، **معجم رجال‌الحديث**، بی جا، ۱۳۷۲ ش.
۴۳. ذهبی، شمس‌الدین، **سیر اعلام النبلاء**، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق.
۴۴. -----، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۶۳ م.
۴۵. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **الامالی**، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۴۷. -----، **فضائل الشیعہ**، تهران: اعلمی، بی تا.
۴۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، **التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (طبرانی)**، اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
۴۹. طبری، عمادالدین، محمد بن ابی قاسم، **بشارة المصطفى لشيعه المرتضى**، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۳ ق.
۵۰. -----، **تاریخ الطبری**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۸۷۹ م.

۵۱. -----، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۵۳. -----، محمد بن حسن، العدة فی اصول الفقه، قم: نشر تیزهوش، ۱۴۱۷ ق.
۵۴. -----، رجال الطوسی، قم: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، ۱۴۲۷ ق.
۵۵. -----، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، قم: مکتبه محقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
۵۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۵۷. عطایی اصفهانی، محمدعباس، افسانه عشره مبشره بر اساس منابع اهل سنت، قم: انتشارات حضرت عباس، ۱۳۹۳ ش.
۵۸. فیض کاشانی، محمد بن حسن، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ ق.
۵۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
۶۰. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ ق.
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۶۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارت الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶۳. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات اهل السنه (تفسیر الماتریدی)، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.
۶۴. محب اللدین طبری، احمد بن عبدالله، الرياض النضره فی مناقب العشره، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۶۵. مزّی، یوسف بن عبدالرحمان، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۰ ق.
۶۶. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۶۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، ۱۳۶۵ ش.
۶۸. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۶۹. نوری، حسین بن محمد، خاتمة مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۷۰. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۷۱. هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۷۲. یازگی، مایا، «حدیث عشره مبشره یا استفاده‌های سیاسی از روایت»، مجله حدیث حوزه، شماره ۸، ۱۳۹۳ ش.

Bibliography

The Holy Qur'an;

Abū-Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf, al-Baḥr al-Muḥīṭ fī al-Tafsīr, Beirut: Dār al-Fikr, ۱۹۹۹.

- Abul-Su'ūd, Muḥammad b. Muḥammad, *Irshād al-'Aql al-Salīm ilā Mazāyā al-Kitāb al-Karīm*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī, 1983.
- Ādāk and Ḥusaynī, Ṣābir and Farah, "Mawḍi'-gīrī-hā-yi Imām 'Alī dar Barābar-i Sīāsāt-hā-yi 'Uthmān b. 'Affān dar Dawra-yi Khilāfat" In *Miskiwayh*, vol. 5, no.14, 2011.
- Ālūsī, Maḥmūd, *Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Aẓīm*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1994.
- Amīnī, 'Abdul-Ḥusayn, *al-Ghadīr fī al-Kitāb wa al-Sunna wa al-Adab*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1988.
- 'Aṭāī Iṣfahānī, Muḥammad-'Abbās, Afsāni-yi 'Ashara-yi Mubashshara bar Asās-i Manābī '-i Ahl-i Sunnat, Qum: Ḥaḍrat-i 'Abbās, 2014.
- Baḥrānī, Hāshim, *Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Tehran: Bunyād-i Bi'that, 1995.
- Balādhurī, Aḥmad b. Yaḥyā, *Ansāb al-Ashrāf*, Beirut: Dār Al-Fikr, 1996.
- Barqī, Aḥmad b. Muḥammad, *al-Maḥāsīn*, Qum: Dār Al-Kutub Al-Islāmīyya, 1952.
- Bayḍāwī, 'Abdullāh b. 'Umar, *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl*, edited by Muḥammad 'Abdul-Raḥmān al-Mar'ashlī, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī, 1997.
- Bukhārī, Muḥammad b. Ismā'il, *al-Tārīkh al-Kabīr*, Hyderabad: Dā'iratul-Ma'ārif al-'Uthmānīyya, n.d.
- Dhahabī, Muḥammad b. Aḥmad, *Mīzān al-'itidāl fī Naqd al-Rijāl*, edited by 'Alī Muḥammad al-Bajāwī, Beirut: Dār al-Ma'rifa lil-Tabā'a wal-Nashr, 1963.
- Dhahabī, Muḥammad b. Aḥmad, *Sīar A'lām al-Nubalā'*, Beirut: Mu'assasa al-Risāla, 1985.
- Fayḍ-Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā, *al-Sāfi fī Tafsīr al-Qur'ān*, edited by Ḥusayn A'lamī, Tehran: Maktaba al-Ṣadr, ۱۹۹۴.
- Furāt Kūfī, Furāt b. Ibrāhīm, *Tafsīr Furāt Kūfī*, Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, 1990.
- Hākim-Nayshābūrī, Abū 'Abd-allāh, *al-Mustadrak 'alā al-Ṣaḥīḥayn*, edited by Muṣṭafā Abū 'Abd-al-Qādir 'Aṭā, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1991.
- Haskānī, 'Ubaydullāh b. 'Abdullāh, *Shawāhid al-Tanzīl li Qawā'id al-Tafḍīl*, Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, 1991.
- Haythamī, 'Alī b. Abī-Bakr, *Majma' al-Zawā'id wa Manba' al-Fawā'id*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1988.

- Hillī, Ḥasan b. Yūsuf, *Kashf al-Yaqīn fī Faḍā'il Amīr al-Mu'minīn*, Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, 1991.
- Hillī, Ḥasan b. Yūsuf, *al-Rijāl*, Qum: al-Sharīf al-Raḍī, 1982.
- Husaynī-Astarābādī, Sharaf al-Dīn 'Alī, Ta'wīl al-Āyāt al-Zāhira fī Faḍā'il al-'Itra al-Ṭāhira, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi'a-yi Mudarrisīn-i Hawza-yi 'Ilmīyah-yi Qum, 1998.
- Huwaynī, Aḥmad b. 'Aṭīyya, *Nathl al-Nabāl bi Mu'jam al-Rijāl*, Cairo: Dār Ibn 'Abbās, 2012.
- Huwayzī, 'Abd-'Alī b. Jum'a, Tafsīr Nūr al-Thaqalayn, Qum: Ismā'īlīān, 1994.
- Ibn 'Abdul-Barr, Yūsuf b. 'Abdullāh, *al-Istī'āb fī Ma'rifa al-Aṣḥāb*, Beirut: Dār al-Jīl, 1992.
- Ibn Abī 'Āṣim, Aḥmad b. 'Amr, Kitāb al-Sunna, Beirut: al-Maktab al-Islāmī, 1992.
- Ibn Abī Ḥātam, 'Abdul-Raḥmān b. Muḥammad, al-Jarḥ wa al-Ta'dīl, Hyderabad: Dā'iratul-Ma'arif al-Uthmānīyya, 1952.
- Ibn Abī Ḥātam, 'Abdul-Raḥmān b. Muḥammad, Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm, edited by al-Sa'd Muḥammad Ṭayyib, Riyadh: Maktaba Nazār Muṣṭafā al-Bāz, 1995.
- Ibn Abī Shayba, Abū-Bakr 'Abdullāh, al-Muṣannaf fī al-Aḥādīth wa al-Āthār, edited by Yūsuf al-Ḥūt, Riyadh, Maktaba al-Rushd, 1989.
- Ibn 'Asākir, 'Alī b. Ḥasan, *Tārīkh Madīna Demashq*, Beirut: Dār al-Fikr, 1994.
- Ibn Athīr al-Jazarī, 'Alī b. Abī al-Karam, al-Kāmil fī al-Tārīkh, Beirut: Dār al-Fikr, 1989.
- Ibn Athīr al-Jazarī, 'Alī b. Abī al-Karam, Usd al-Ghāba fī Ma'rifa al-Ṣaḥāba, Beirut: Dār al-Fikr, 1996.
- Ibn 'Aṭīyya, 'Abdul-Haqq b. Ghālīb, al-Muḥarrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz, edited by Muḥammad 'Abdul-Salām 'Abdul-Shāfi, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 2001.
- Ibn Babiwayh, Muḥammad b. 'Alī, al-Amālī, Tehran: Kitābchī, 1997.
- Ibn Babiwayh, Muḥammad b. 'Alī, Faḍā'il al-Shī'a, Tehran: A'lamī, n.d.
- Ibn Ghaḍā'irī, Aḥmad b. Ḥusayn, *al-Rijāl*, Qum: Dār al-Ḥadīth, 2001.
- Ibn Ḥabbān Bustī, Muḥammad, *al-Majrūḥīn min al-Muḥaddithīn wa al-Ḍu'afā' wa al-Matrūkīn*, Aleppo: Dār al-Wa'y, 1976.

- Ibn Ḥabbān Bustī, Muḥammad, *al-Thiqāt*, Hyderabad :Dā'iratul-Ma'ārif al-'Uthmānīyya, 1973.
- Ibn Hajar 'Asqalānī, Aḥmad b. 'Alī, *Tahdhīb al- Tahdhīb*, Hyderabad :Dā'iratul-Ma'ārif al-'Nizāmīyya, 1908.
- Ibn Hilāl Thaqafī, Ibrahīm b. Muḥammad, *al-Ghārāt*, Beirut: Dār al-Aḍwā', 1987.
- Ibn Mardīwayh, Aḥmad b. Mūsā, *Manāqib 'Alī b. Abī-Ṭālib*, Qum: Dār al-Ḥadīth, 2003.
- Ibn 'Udayy, 'Abdullāh, *al-Kāmil*, Beirut: Dār al-Fikr, 1989.
- Irbilī, 'Alī b. 'Īsā, *Kashf al-Ghumma fī Ma'rifa al-A'imma*, Tabriz: Banī-Hāshimī, 200.۲
- Jawādī-Amulī, 'Abdullāh, Tafsīr-i Tasnīm, Qum: Isrā', 1985.-
- Kashshī, Muḥammad b. 'Umar, *Ikhṭiyār Ma'rifa al-Rijāl*, Qum: Mu'assasa Āl al-Bayt, 1984.
- Khādimlū, Maḥdī-Riḍā, "Bāz-shināsī-i Dīdgāh-hā-yi Fīraq Darbāri-yi Jang-i Jamal" In: *Tārīkh-Pazhūhān*, no.۲۰۰۷, ۱۱.
- Khaṭīb-Baghdādī, Aḥmad b. 'Alī, *Tārīkh Baghdād*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1996.
- Khaṭīb-Sharbīnī, Muḥammad b. Aḥmad, *al-Sirāj al-Munīr*, Beirut: Dār al-kutub al-'Ilmīyya, 2004.
- Khu'ī, Abul-Qāsim, Mu'jam Rijāl al-Ḥadīth, Qum: n.p., 1993.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb, *al-Kāfī*, edited by Muḥammad Ghaffārī and Muḥammad Ākhūndī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1966.
- Māturīdī, Muḥammad b. Muḥammad b. Maḥmūd, *Ta'wīlāt Ahl al-Sunna (Tafsīr Māturīdī)*, edited by Bāslūm Majdī, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya and Manshūrāt Muḥammad 'Alī Bayḍūn, 2005.
- Maybudī, Aḥmad b. Muḥammad, *Kashf-ul-Asrār wa 'Uddat-ul-Abrār*, edited by 'Alī-Aṣghar Ḥikmat, Tehran :Amīrkabūr: 1952-60.
- Minqarī, Naṣr b. Muzāḥim Naṣr, *Waq'a al-Ṣiffīn*, Qum :Kitābkhāni-yi Āyatullāh Mar'ashī-Najafī, 1984.
- Mizzī, Yūsuf b. Abd-al-Raḥmān, *Tahdhīb al-Kamāl fī Asmā' al-Rijāl*, edited by Bashār 'Awwād Ma'rūf, Beirut :Mu'assasa al-Risāla, 1980.
- Muḥibb al-Dīn Ṭabarī, Aḥmad b. 'Abdullāh, *al-Rīqad al-Naḍira fī Manāqib al- 'Ashara*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 2003.
- Najāshī, Aḥmad b. 'Alī, *Rijal Najāshī*, Qum :Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi'a-yi Mudarrīsīn-i Ḥawza-yi 'Ilmīyyah-yi Qum, 1987.

- Nūrī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Khātima Mustadrak al-Wasā'il*, Qum: Mu'assasa Āl al-Bayt, 1988.
- Qaysī, Makkī b. Abī-Ṭālib, *al-Hidāya ilā Bulūgh al-Nihāya*, Sharjah: Jāmi'a al-Shāriqa, 2008.
- Qummī-Mashhadī, Muḥammad, *Kanz al-Daqa'iq wa Baḥr al-Gharā'ib*, Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, ۱۹۸۹.
- Qummī-Nayshābūrī, Ḥasan b. Muḥammad, *Gharā'ib al-Qur'ān wa Ragḥā'ib al-Furqān*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1995.
- Sayyid Raḍī, Muḥammad b. Ḥusayn, *Nahj al-Balāgha*, translated into Persian by Muḥammad Dashtī, Qum: Ḥuḍūr, 2۰۰۰.
- Suyūṭī, 'Abdul-Raḥmān b. Abī-Bakr, *al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Manthūr*, Qum: Kitābkhāni-yi Āyatullāh Mar'ashī-Najafī, 1984.
- Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad, *Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm*, Jordan: Dār al-Kitāb al-Thaqāfī, 2008.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Abī-Qāsim, *Bishāra al-Muṣṭafā li Shī'a al-Murtaḍā*, Najaf: Maktaba al-Ḥaydarīyya, 1963.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Tārīkh al-Umam wal Mulūk*, Beirut: al-A'lamī, 1879.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi' al-Bayān 'an Ta'wīl Āy al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Ma'rifa, 1991.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*, edited by Sayyid Faḍlullāh Ṭabāṭabā'ī Yazdī and Sayyid Ḥāshim Rasūlī-Maḥallā'ī, Tehran: Nāṣir Khusruw, 1994.
- Tha'labī-Nayshābūrī, Aḥmad b. Ibrāhīm, *al-Kashf wa al-Bayān 'an Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī, 1997.
- Tirmidhī, Muḥammad b. 'Īsā, *Sunan al-Tirmidhī*, Beirut: Dār al-Fikr, 1983.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī, *Fihrist Kutub al-Shī'a wa Uṣūlihim*, Qum: Maktaba Muḥaqqiq Ṭabāṭabā'ī, 1999.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī, *Rijāl al-Ṭūsī*, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi'a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi 'Ilmiyyah-yi Qum, 2006.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī, *al-Udda fī Uṣūl al-Fiqh*, Qum: Tiz-hūsh, 1996.
- Wāḥidī, 'Alī b. Muḥammad, *Asbāb Nuzūl al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1991.
- Yāzīgī and Ḥusaynī, Māyā and Mahdī, *Ḥadīth 'Ashara Mubashshara yā Istifāda-hā-yi Sīāsī az Riwayāt*, "Hadīth-i Ḥawza, no. 8, 2014.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی فقه‌الحدیثی و دیدگاه مفسران درباره روایت «حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ...»
 عبدالعلی پاکزاد | محمود قیوم زاده
- ۳۷ نقد و بررسی شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره در روایات فریقین
 عزت اله مولایی نیا
- ۶۵..... بررسی «هدایت» در آیه ۲۱ سوره ابراهیم در میراث تفسیری از ره گذر سیاق و تقابل
 محسن دیمه کار گراب | سیده فرناز اتحاد
- ۹۱ واکاوی تطبیقی دیدگاه مفسران درباره آیه ۶ سوره یس
 کرم سیاوشی | محمد صالح جباری
- ۱۱۷..... بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های بدعت از دیدگاه مفسران
 محمدجواد جاوری | سید محمدعلی ایازی
- ۱۴۷..... واکاوی نقدهای ابن عادل بر زمخشری در برداشت‌های کلامی - ادبی از آیات در تفاسیر اللّباب و الکشاف
 کیوان احسانی
- ۱۷۱..... مخاطب‌شناسی در آیه ۱۲۶ سوره نحل
 محمدحسین واثقی راد
- ۱۹۱..... بررسی و تحلیل آراء مفسران قرآن از مفهوم «اصطفاء» و «عالمین» در آیه ۴۲ سوره آل عمران
 داود اسماعیلی
- ۲۱۹..... تفسیر آیه یازدهم سوره رعد از نگاه مفسران فریقین
 محمدجواد اسکندرلو
- ۲۴۳..... اعتبارسنجی روایات فریقین درباره مصادیق آیه ۱۰۱ سوره انبیاء
 میثم کهن‌ترانی
- ۲۷۳..... دلالت‌سنجی واژه «البیان» در آیه «علمه البیان» بر نطق و تکلم انسان از نگاه مفسران فریقین
 احمد کریمی | فیروز اصلانی الوار
- ۲۹۵..... تأکید بر روایات امامیه
 مرضیه قدوسی | سیدمهدی مرتضوی | عاطفه زرسازان

